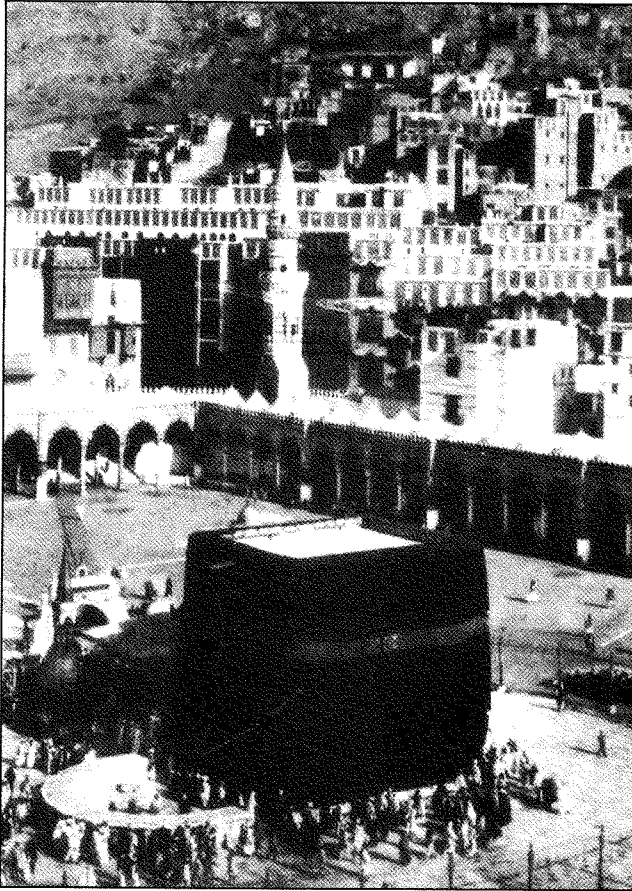


# تاریخ بنای کعبه

مبارک علی‌هدی / حسین و نقی



چند نکته در باره این رساله:

از این رساله دو نسخه خطی یافتیم؛ «نسخه ملک» و «نسخه هند» نخستین نسخه، در کتابخانه ملی ملک تهران به شماره ۲۷۴۶ ثبت گردیده و در صفحه ۳۵ جلد هفتم فهرست آن کتابخانه معرفی شده است. این نسخه در ۱۶ جمادی الآخر سال ۱۲۵۴ ق. در مکه مکرمه به صورت کتاب چاپ گردیده، گرچه چند سطر از آغاز و سطروری از لابلای نسخه

افتادگی دارد اما نسبت به نسخه دوم کامل تر است؛ زیرا بخشی از آخر رساله در نسخه ملک آمده که در نسخه هند نیامده است.

در فهرست ملک آن را «رساله‌ای در تاریخ کعبه و مسجدالحرام» نامیده‌اند و از مؤلف آن نامی به میان نیامده است.

دومین نسخه، در کتابخانه «الجامعة الإسلامية» در علیگر هند، از کتب مولانا آزاد، به شماره ۹۷۲۲۲/H.G.۸۳ ثبت شده است و «تاریخ بنای کعبه» نام دارد و تألیف مبارک علی هندی دانسته شده که در سال ۱۲۸۱ قو کتابت شده و به لطف دانشور گرامی آقای علی صدرایی خوئی میکرو فیلم آن در اختیارم قرار گرفت. شور بختانه هیچ یک از دو نسخه کامل نیستند و ما با تلفیق آن دو نسخه، متن زیر را به شما گرامیان تقدیم می‌کنیم.

از نکات دیگر در باره این نسخه، که سزامنذ یادآوری است:

- قلم نویسنده استوار و محکم است.
- کلماتی مانند: «درین»، «همون»، «فروعست»، «اسمیعل» و «بست» در آن به کار رفته که آن‌ها را به شکل: «در این»، «همان»، «فروع است»، «اسماعیل» و «بیست» آوردیم.
- «شادروان» را که واژه‌ای است فارسی و به هنگام تعریب «شادروان» شده، به «پشتیبان دیوار» معنا کرده است.
- «گزن» در عرف ما معادل «ذرع» و حدود یک متر است، اما نویسنده رساله، آن را معادل «ذراع» به کار برده که حدود نیم متر می‌باشد. بنابراین، به هنگام مطالعه رساله، اگر به این نکته توجه نشود، خطای بزرگ در اندازه‌ها پدید می‌آید و دو برابر اندازه‌های واقعی برداشت می‌شود و این اشتباه بزرگی است که برخی ناموران گرفتار آن شده‌اند.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و سلام على عباده الذين اصطفى

اما بعد، این مختصر در بیان طول و عرض بیت الله شریف و تعداد مرات بنا (ی) او و ما يتعلق به است. بدان که علامه ازرقی وفاسی و قطب‌الدین رحمهم الله تعالی در تواریخ مکه معظمه آورده‌اند که بنا کرده شده است کعبه مشرفه از ابتدای دنیا الی یومنا هذا، ده مرتبه:

اول کسی که بنا کرد او را ملائکه بودند علیهم السلام، كما أفاده قوله تعالى: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ﴾<sup>۱</sup>

دوم بار بنا کرد حضرت آدم علیه السلام، و سنگ‌ها آورد برای وی از پنج جبل؛ کوه لبنان و طور سینا و طور زینا و جودی و حِرا و وضع کرد اساس کعبه از حرا. سوم بار، بنا کرد او را شیث ابن آدم علیه السلام، بعد وفات پدر خود.

چهارم بار، بنا کرد حضرت ابراهیم علیه السلام بر قواعد سابقه، كما هو مذکور في القرآن، قال الله تعالى: ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ﴾<sup>۲</sup> الآية. پس گردانید عرض بیت شریف را، ما بین رکن حجر اسود تا رکن عراقی سی و دو [۳۲] گز و ما بین رکن عراقی تا رکن شامی، بیست و دو [۲۲] گز و ما بین رکن شامی تا رکن یمانی سی و یک [۳۱] گز و ما بین رکن یمانی تا رکن حَجَرِ اسود [۲۰] بیست گز.

و گردانید ارتفاع بیت را به سوی آسمان نه [۹] گز و بگذاشت در وی دو دروازه؛ یکی شرقی، دوم غربی و سقف نکرد او را حضرت ابراهیم علیه السلام، بلکه اول کسی که سقف کرد بیت شریف را، قُصی بن کلاب بود، كما سیأتی.

پنجم بار، بنا کرد او را عمالقه؛ یعنی اولاد عملیق بن لوازم [لاوذ] بن ارمین بن سام بن نوح علیه السلام، که این عمالقه اول ساکنان مکه بودند.

ششم بار، بنا کرد او را جُرْهُم، أعنی اولاد جُرْهُم بن قحطان بن عابر بن شامخ بن زرفحشد [أرفخشد] بن نوح علیه السلام و در بعضی روایات واقع شده است، تقدیم بنای جُرْهُم بر بنای عمالقه.

هفتم بار، بنا کرد او را قُصی بن کلاب، که أبِ خامس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله است. پس سقف کرد او را به شاخه‌های نخل و چوب‌های درخت دُوم.

و علامه قطب الدین مکی در تاریخ خود گفته که: بنا کرد قُصی بیت شریف را بر قواعد حضرت خلیل علیه السلام، و هم هر کسی که بنا کرد بعد حضرت خلیل، بنا کرد او را بر قواعد ابراهیم، مگر قُریش مکه، که آن‌ها کم کردند طول بیت را از جانب حطیم و اِخراج کردند حطیم را از بیت و حجاج هم بر بنای قُریش بنا نموده، حطیم را خارج نمود، چنانکه خارج نموده بودند قُریش او را انتهی.

مخفی نماند که این بنای، که یازدهم است، این نیز واقع شده است بر مثل قریش در  
اخراج حطیم و نیز هوایدا باشد که مراد قطب الدین به بودن بنای هر کسی بعد ابراهیم علیه السلام  
بر قواعد ابراهیم، که موافق بود بنای هر یکی از آن‌ها بر بنای ابراهیم علیه السلام، در جهت طول و  
عرض است فقط، اگر چه مخالفت واقع شده بود از ایشان از وجوه دیگر؛ چنانچه وضع سقف  
و زیاده کردن در مقدار ارتفاع بیت به سوی آسمان و غیر ذلک، فَلْيَتَدَبَّرْ.

**هشتم بار**، بنا کردند او را قریش مکّه، در وقتی که پیغمبر صلی الله علیه و آله سی و پنج سال بودند و  
حاضر بودند در بنای او و کار می کردند به نفسِ نفیسِ خود در وی. پس مخالفت کردند  
قریش با بنای حضرت ابراهیم علیه السلام در چهار چیز:

- یکی، آن که زیادت کردند ارتفاع او را به سوی آسمان نه گز، سوای نه گز سابق. پس  
گشت بلندی او هژده [هیجده] گز.

- دوّم، آن که نقصان کردند از طول او مقدار هفت گز و بیرون داشتند آن را در محلّ  
حطیم، به واسطه آن که نقصان کرد نفقه طّیبه که آماده ساخته بودند برای بنای بیت و آن،  
بیت را وفا نکرد برای اتمام بیت، پس اخراج کردند مقدار مذکور را از بیت.

- سوّم، آن که بند کردند<sup>۲</sup> باب غربی را از کعبه، که در مقابل باب شرقی بود.  
- چهارم، آن که مرتفع نمودند باب کعبه را از زمین، برای آن که داخل نگردد کسی در  
بیت مگر به اذن ایشان.

پس منازعه کردند قبایل قریش در تعیین موضوع حجّرِ اَسود، و می خواست هر یکی  
از آن‌ها که بنهد آن حجّر را به جانب محلّه خود،<sup>۳</sup> بعد مناقشه بسیار، راضی گشتند با هم  
بر آن که هر شخصی که داخل شود فردا اَوَّلًا در مسجد حرام، همان شخص وضع کند حجّر  
را در هر جا که خواهد.

پس منتظر نشستند در آن شب، تا آن که داخل شد در صبح آن، اَوَّلًا پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله. پس  
تفویض نمودند امر حجّر را به سوی او صلی الله علیه و آله، پس وضع کرد او صلی الله علیه و آله حجّرِ اَسود را در رکنِ بیتِ  
شریف؛ در موضعی که معروف است اِلی یومنا هذا.

نُهَم بار، بنا کرد او را عبدالله زبیر، به واسطه آن چه رسیده بود بیت را از ضَعف بنا، به  
سبب حریق و رخنه مجانبی، از دست حصین بن نمیر که امیر شده، آمده بود از جانب یزید

برای قتال با عبدالله زبیر و التجا آورد او به مسجد حرام و نصب کرد حصین مجانیق را، که منهدم گشت به سبب آن‌ها بعضی از دیوارهای کعبه و منخرق گشت بعضی از چوب‌های او و بعضی کسوت او.

پس در این اثنا حصین را خبر موت یزید رسید. پس باز گشت او به لشکر خود. پس خواست عبدالله زبیر که هدم کند بقیه دیوارهای کعبه معظمه را و باز تجدید کند بنای او بر وجه محکم.

و باز گرداند او را بر قواعد حضرت خلیل علیه السلام، پس امر کرد ابن الزبیر به شکستن تمام دیوارها و بیت را تا آن که برسد به زمین و ظاهر گشت قواعد ابراهیم علیه السلام. پس بنا کرد بیت را بر قواعد او و گردانید باب کعبه ملاصق به زمین چنان که پیشتر بود. و ادخال کرد مقدار هفت گز از موضع حطیم در کعبه، و فتح کرد در کعبه باب غربی را مقابله باب شرقی که آن هر دو باب الله بودند به واسطه استماع حدیث که روایت کند او را عایشه رضی الله عنها از آن حضرت علیه السلام و زیاد کرد در ارتفاع بیت نه گز دیگر تا آن که گشت. جمله بلندی آن [هجده گز؟] و گویند که بود ابتدا ابن الزبیر در هدم کعبه برای تجدید بنا به تاریخ پانزدهم از جمادی الآخر سنه اربع و ستین و تمام گشت بنای او به تاریخ بیست و هفتم رجب، از سنه مذکوره کما یفیده کلام المحب الطبری [...] و قیل بود. اتمام بنای او در سنه خمس و ستین، کذا قال الفاسی.

دهم بار بنا کرد او را حجاج بن یوسف [...] و سبعین به امر عبدالملک بن مروان ولکن او نشکست از بنای ابن الزبیر إلا ناحیه حطیم را فقط و بیرون کرد از بیت مقدار هفت گز را که ادخال کرده بود آن‌ها را ابن زبیر در وی. پس بعد نقصان آن هفت گز باقی مانده طول بیت شریف ما بین حجر آسود و رکن عراقی بیست و پنج گز، و ما بین رکن شامی و رکن یمانی بیست و چهار گز. و مسدود کرد باب غربی کعبه را، و مرتفع کرد باب شرقی را از زمین مقدار چهار گز و یک شبر، و ترک کرد بقیه بیت را بر بنای ابن زبیر، پس همین بنا که الحال موجود است از بنای ابن زبیر و حجاج باقی مانده است الی یومنا هذا. و هذا حاصل ما ذکر فی تواریخ مکه و غیرها من الکتب.

و علامه قهستانی در شرح مختصر وقایه گفته که: به درستی که بیت شریف واقع است در

میان مسجد حرام و بیت را دو سطح است؛ یکی بالای دیگری و طول سطح او هژده گز است و عرض سطح آن پانزده گز. انتهى.

و شرح بنای بیت در هر مرتبه از مرات عشره، محتاج به بیان کثیر است، ترک کرده شده است آن را در این مقام اختصاراً فی الکلام و هر که خواهد آن را کما هو حقّه مطالعه کند، فعليه بالسيرة الشامية و غيرها، والله الموفق بالصواب.

### فایده حسنه

بدان که ذکر کرده است علامه عبدالله بن سالم بصری در شرح خود بر بخاری، بنای کعبه را مرتبه. یازدهم نیز بعد از بنای حجاج و گفته که داخل گشت سیلی عظیم از آب در سنه ألف و تسع و ثلاثین در مسجد الحرام، و هدم کرد از کعبه معظمه جانبی را که تعمیر کرده بود او را حجاج. پس، فرستاده شد خبر به سوی سلطان مرادخان بن احمدخان. پس، فرستاد معماران و اموال کثیره را. پس هدم کردند بقیه جوانب ثلاثه را از کعبه مشرفه نیز و از سرنو بنای جدید کردند و تمام گشت این عمارت در سنه ألف و أربعین. انتهى ما أفاده الشيخ عبدالله البصري، و ذکر مثله العلامة ابن علان البكري في بعض كتبه و العلامة حسن الشرقي الشرنبلالي مصنف إمداد الفتاح في رسالة مفردة سماها إسعاد آل عثمان المكرم بناء بيت الله المحرم، و العلامة أبو الكرم.

محمد بن احمد بن المصطفى الزنجبيل الحنفی المکی فی رسالة مفردة له. و علامه زنجبیل مذکور گفته که دخول سيل مذکور در مسجد الحرام، در اول شب، خمیس بیستم شهر شعبان، سنه ألف و تسع و ثلاثین بود، در رسیدن آب باران در وی قریب به آستانه علیا از باب کعبه به مقدار ذرع یا قدری کم و یا زیاده، مستور گشتند ستون‌ها که بسته می‌شود در آن‌ها قندیل‌ها گرداگرد مطاف، و ظاهر نماند از قبه‌ای که بر مقام ابراهیم است مگر مقدار یک گز، یا قدری زیاده، و منقطع گشت آن سیل در آخر شب خمیس مذکور.

پس شکسته شد از کعبه معظمه تمام دیوار شامی که به جانب حطیم بود و قریب به نصف دیوار شرقی که در وی باب است و مقدار سوم حصه از دیوار غربی که مقابل در است و سالم ماند دیوار جنوبی که به جانب یمن است، به حسب ظاهر، و لکن به حقیقت آن نیز خلل پذیرفته بود به موجب قوانین.

و بعد از رسیدن خبر به سلطان مرادخان بن سلطان احمدخان، و فرستادن او معماران و اموال زیاد، شروع کردند در هدم دیوارهای قدیم به روز دوشنبه، به تاریخ دهم از شهر جمادی الثانی از سنه الف و اربعین. و بعد از فراغ از هدم آنها، شروع کردند در بنا، به روز سه شنبه، به تاریخ بیست و پنجم شهرمذکور.

تا آن که فارغ گشتند از بنای مذکور و تعمیر و ترمیم جمیع آن چه شکسته بود از طرف مقام ابراهیم و از ابواب مسجد، چنانچه باب السلام و باب ابراهیم و از مناره‌های آن و مدرسه سلیمانیه و غیر ذلک، به تاریخ بیستم از شهر ذی قعدة الحرام سنه الف و اربعین. انتهی ما ذکره الزنجیل فی رسالته.

پس حاصل آن است که بنا کرده شده است کعبه معظمه یازده مرتبه و معلوم شد آن چه اصحاب تواریخ سابقه؛ یعنی ازرقی و فاسی و قطب الدین مکی گفته‌اند که باقی مانده است بنای حجاج الی یومنا هذا. پس آن به سبب عدم ادراک ایشان بود مرابن بنای اخیر را. چه، بود وفات علامه قطب الدین مذکور در سنه تسعین و تسعمائة و وفات علامه ازرقی و فاسی قبل از وی فلیتدبر.

#### فایده

بدان که این جمله، ذکر بنای کعبه مشرفه بود، اما مرمت در طرفی که ضعیف گشته بود از کعبه، چنانچه در سقف و آستانه و باب و میزاب و سایر اطراف، پس واقع گشته مرآت کثیره، که ذکر نموده است حافظ ابن حجر در فتح الباری بعضی را از آنها و واقع گشته است مرمت در اطراف، بعد از زمان ابن حجر مرآت متعدده، کذا ذکر الشیخ عبدالله البصری فی شرح البخاری و غیره.

#### فایده

فتوا داده‌اند علما به آن که جایز نیست هدم دیواری از دیوارهای کعبه برای تجدید بنا، به واسطه آن که عادت نگینند ملوک، مثل این فعل را، به طریق لعب، و لهذا منع کرد امام مالک - رحمه الله تعالی - مرهارون رشید را در وقتی که اراده نمود تجدید بنای کعبه را و این همه، وقتی است که ضرورت نباشد، اما اگر ضرورتی باشد؛ چنان که غلبه سیل آمد و منهدم گشت چیزی از او، یا واقع گشت مصلحتی مستحسنه در اصلاح بعضی از اطراف، آن

گاه جایز باشد اصلاح و مرمت او، كما أوضحه ابن حَجْر في المناهل العذبة في إصلاح ما وَهَى من الكعبة.

### فایده

علامه فاسی گفته: بدان که بودند در اصل در داخل کعبه مشرفه شش عدد ستون در دو صف و هم چنین بودند در عهد پیغمبر خدا ﷺ، تا آن که نقصان کرد ابن زبیر در وقت بنای خود از آن‌ها سه ستون را و اقتصار نمود بر سه ستون در یک صف، و الآن داخل کعبه چهار ستون هستند و مطلع نشدم من به تاریخ احداث این ستون چهارم. انتهى والله اعلم.

### فایده [آیات بینات کعبه چیست؟]<sup>۵</sup>

بدان که حضرت حق - سبحانه و تعالی - در فضل کعبه شریفه فرمود که: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ \* فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾<sup>۶</sup> گفته‌اند علما، که مراد به «فیه» آن است که قرینه مرادات به ﴿آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ﴾ کعبه، خصائص و کرامات او هستند که امتیاز یافته است به آن‌ها از سایر بیوت.

از آن‌هاست: این دو آیات که مذکور شد در قرآن مجید؛ یکی مقام ابراهیم، که تأثیر نموده‌اند در وی هر دو قدم حضرت ابراهیم خلیل عليه السلام، و تأثیر اقدام در سنگ از آیات است بلا شک.

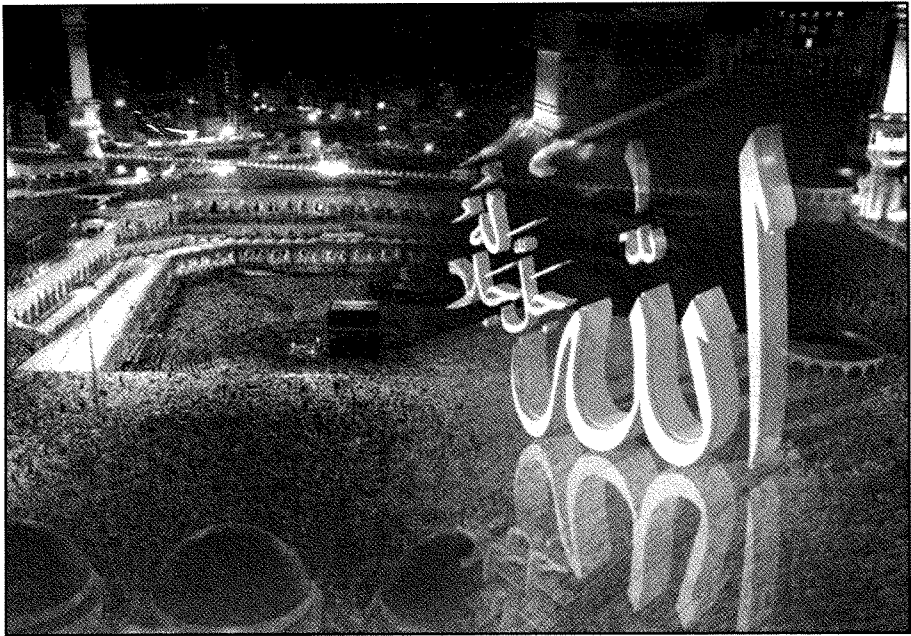
دوم: آن که هر شخصی که داخل گردد در حرم کعبه، آمن شود و مراد امن است از عذاب آخرت، نزد جمهور علما، و نزد ابوحنیفه هر شخصی که قتل لازم شود بر وی به سبب قصاص یا غیر آن، پس التجا آرد به سوی حرم مکه، تعرض کرده نشود او را، مادام که در حرم است.

و از آن‌هاست: تشویق خلائق به سوی او، تا آن که می‌آیند برای طواف او مردم از اقطار و بلاد بعیده.

و از آن‌هاست: که واقع می‌شود در وقت رؤیت کعبه، هیبت در قلوب و خضوع و خشوع و جریان دموع.

و از آن‌هاست: که امتناع می‌نماید طيور؛ از کبوتران و غیر آن، از مرور بالای سطح کعبه،





و از جلوس بر وی، مگر آن که یکی از طیور مریض باشد، آنگاه می‌نشینند بر کعبه برای طلب شفا و اگر چنین نبودی هر آینه بسیار می‌شدی تلویث استار کعبه به قاذورات طیور؛ چنان که می‌شود بر سطوح سایر بیوت.

و از آن‌هاست: که شفا می‌یابند مریضان به مساس کعبه، چنانکه می‌نهند موضع درد خود را بر حَجَرِ اَسْوَد و سایر مواضع درد. [کذا، ظاهراً صحیح این است: و سایر مواضع بیت] و از آن‌هاست: که در وقت فتح باب کعبه داخل می‌شوند در وی خلائق کثیره، که قطع می‌کند عقل به عدم وسعت کعبه مرایشان را و نماز می‌کنند در وی به غیر حصول ضرر غالباً.

و از آن‌هاست: استعجال عقوبت اِهْلَاک در حق کسانی که نمایند حرمت کعبه، و اظهار کنند ظلم و جور را در حرم؛ چنان که واقع شده است استعجال هلاک آن‌ها مرّات کثیره، کما بیّنه أصحاب السّیر.

و از آن‌هاست: اِهْلَاک اصحاب فیل.

و از آن‌هاست: که حفظ نموده است حَجَرِ اَسْوَد و مقام ابراهیم را، از اخذ اعداء، از وقت

نزول آنها از بهشت إلی یومنا هذا. با وجود کثرت اعدای آنها از مشرکان و سایر فُسّاق؛ چنانکه قرامض [کذا؛ قرامطه صحیح است] و غیر ایشان و چون گرفتند قرامض [قرامطه] حَجَرِ اَسود را به قصد عداوت، رد نمود او را حق - سبحانه و تعالی - به فضل خود، کما هو مَفْصَلٌ فی کتب السیر.

و از آنهاست: که الفت می گیرند آهوان و درندگان در ارض حرم، و اگر می آید درنده در پس آهو در ارض حِلّ، چون داخل شد در حرم رجوع می نماید درنده از وی.  
و از آنهاست: که اگر باران می بارد از جانب رکن یمانی، می شود رخا و ارزانی در یمین و اگر می بارد از جانب رکن شامی، می شود ارزانی در سرزمین شام و اگر می بارد از جمیع جوانب بیت شریف، ارزانی عام می شود در تمام بلاد.

و از آنهاست: آن چه [ریگ] واقع می شود در منّا، که رمی کرده می شود در هر سالی بسیار و مع ذلک دیده نمی شود الا مقدار قلیل از جمار. إلی غیر ذلک من الآیات الیّنات الّتی یطول ذکرها.

و قاضی عزّ الدین بن جماعه، در منسک خود، از علامه محبّ الدین طبری رحمته الله نقل کرده گفت: که در ایام منّا، سه آیات عظیم است؛ یکی آن که رفع کرده می شود از آنجا جمار؛ زیرا که روایت شده است از حضرت ابی سعید خدری که پرسیدم از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله که: یا رسول الله، این رمی که کرده می شود در هر سال، می دایم که باقی نمی ماند از آنها مگر قدر قلیل؟ فرموده: که هر چه قبول کرده می شود از آنها رفع می کنند آن را ملائکه و هر چه قبول نمی شود می ماند در آنجا و اگر چنین نبودی هر آینه دیده می شدندی از آن مثال جبال «و رواه الدارقطنی و البیهقی و الحاکم مرفوعاً و رواه سعید بن منصور موقوفاً عن ابی سعید، و روی البیهقی نحوه موقوفاً عن ابن عباس - رضی الله عنه -».

و گفت طبری که شهادت می دهد به صحّت وی معاینه حسی؛ زیرا که در طریق عمره، در مقام تعین موضعی است که گفته می شود در آنجا است قبر ابی لهب - و نیست فی الواقع قبر او در آنجا - و رمی می کنند آن موضع را بعضی افراد از مردم که گذر می نمایند بر آن طریق، و می زنند هر یکی یک عدد سنگ و نمی رسد عدد این رمی کنندگان به مقدار صدم حصّه از حجّاج که می آیند از اطراف عالم برای حج در هر سالی، و مع ذلک حاصل شده است مر آن موضع را به سبب اجتماع سنگ ها در وی ارتفاع عظیم، به حیثیّتی که اگر جمع

کرده شود سنگریزه‌های جمیع جمرات مقام ثلاثه منا، پس رمی می‌کنند به سوی آن‌ها در هر سالی مقدار ششصد هزار مردم، و اگر نقصان شود در عدد از مردمان، تکمیل کرده می‌شود او را به ملائکه، کما ورد. و هر شخصی رمی کند به سوی آن‌ها تا هفتاد سنگ ریزه یا چهل و نه سنگ ریزه، از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام إلى یومنا هذا، مع ذلك معلوم نمی‌شود او را ارتفاع کثیر بر زمین و این برهان ظاهر و دلیل باهر است.

دوم: آن که گوشت‌های هدایا و ضحایا در ایام منا خشک کرده می‌شود بر دیوارها و سنگ‌های جبال و بر سطوح خانه‌ها و محفوظ می‌ماند آن گوشت‌ها به حفظ حق - سبحانه و تعالی - از آن که برگیرند پرنده‌ها چیزی را از آن‌ها و معلوم است که زغن چون بیند چیزی سرخ در دست انسانی یا بر سر او، اگر غیر گوشت باشد، فرو می‌افتد بر وی و می‌گیرد آن چیز از وی و در این ایام زغن‌ها پرواز می‌کنند بالای آن گوشت و قدرت نمی‌آرند که برگیرند چیزی از آن‌ها.

سوم: آن که واقع نمی‌شوند در این ایام مگس‌ها بر طعام، بلکه خورده می‌شود عسل و مانند آن از اطعمه، که مجتمع شوند و نیفتد در آن، با وجود آن که در این ایام، عفونات به سبب کثرت خون‌ها و سرگین‌ها در شوارع و طُرقات، که موجب کثرت مگس‌ها است، و چون ایام منا می‌گذرند، می‌افتند مگس‌ها در اطعمه، تا آن که خوش نمی‌آید طعام مرطاعم را به سبب آن. و این آیات ظاهره و باهره هستند برای کسی که نظر کند در آن‌ها به انصاف و نیکو نماید نظر در آن‌ها از اولو الأبصار. هذا کلمة ذکره ابن جماعة في منسکه ناقلًا عن الطبري.

### فایده

بدان که آن‌چه ذکر کردیم در تعداد مرات بنای کعبه معظمه، از آن معلوم گشته طول و عرض کعبه از جمیع جهات کما قدّمناه بالاختصار. و اما طول و عرض موضع حطیم، پس بدان که علامه ازرقی و ابن جماعه گفته‌اند: که جمله طول، أعني ما بين فرجة غربيّة تا فرجة شرقیّة آن، به طریق استوا هفده ذراع است و عرض حطیم، اعني ما بين ميزاب کعبه تا منتهای دیوار شامی از حطیم، مقدار هفده ذرع و ثلث ذرع است، از آن عرض دیوار شامی حطیم ثلث ذرع است و یک شبر و از داخل دیوار پانزده ذرع است، از آن مقدار هفت ذرع و قیل شش ذرع و یک شبر از اجزای کعبه است، کما تقدّم مکرراً.

فایده در بیان طول و عرض مسجدالحرام و تجدید بناهای آن و عدد ابواب و طاق‌ها و ستون‌ها و قُبّه‌ها و کنگره‌ها و مناره‌ها که هستند در این زمان

بدان که چون بنا کرد حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام مرکبهُ معظمه را، نبود در حوالی آن هیچ خانه و نه دیواری و هم‌چنین نبود در زمان عمالقه و جُرْهُم و خُزاعه، که جرأت نکردی هیچ یکی بر بنای خانه‌ها در حوالی کعبه به واسطهٔ احترام تا آن‌که رسید ولایت کعبه در دست قُصّی بن کلاب. پس جمع کرد او قوم خود را و اذن داد ایشان را بنای خانه‌ها را در جهات از کعبه، پس بنا کردند خانه‌ها را در آنجا و داشتند دروازه‌های آن‌ها را به سوی کعبه تا داخل شوند از آن راه برای طواف، و گذاشتند برای طائفان مقدار مطاف را، که فرش نموده‌اند الآن در وی سنگ‌های تراشیده را تا حاشیةٔ مطاف، که معروف است در این زمان.

و همچنین بود در زمان حضرت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و در زمان صدیق تا آن‌که رسید خلافت به عمر و بسیار گشتند مردم، پس توسیع کرد مسجدالحرام را در سال هفدهم از هجرت و سراها که گرد مسجد بودند شکست<sup>۷</sup> آن‌ها را و داخل کرد در مسجد و اتّخاذ کرد برای مسجد دیواری کمتر از قامت و می‌نهادند چراغ‌ها را بر آن دیوار، و اوّل کسی که دیوار گرفت برای مسجد او بود.

و بعد از آن چون خلافت رسیده به عثمان خرید کرد منازل را و داخل کرد در مسجد، در سال بیست و ششم از هجرت و بنا کرد در مسجد رواق‌ها، و اول کسی که رواق‌ها کرد در مسجد او بود.

و مِنْ بَعْدِ آن، زیاد کرد حضرت عبدالله بن زبیر در مسجد زیادتی بسیار؛ به حیثیتی که بخرید سرای اُزرق را به زیاده از ده‌هزار دینار و ادخال کرد آن را در مسجد.

بعد از آن بلند کرد عبدالملک بن مروان دیوارهای مسجد را و سقف کرد او را به چوب درخت ساج و لکن توسیع نکرد او را بر بنای ابن زبیر.

بعد از آن توسیع کرد او را پسر او ولید بن عبدالملک و بیاورد به سوی او عمودها را از سنگ رخام.

و بعد از آن زیاده کرد در وی ابو جعفر منصور، در خلافت خود و بنا کرد او را، و انداخت در وی عمودهای رخام.

بعد از آن زیاد کرد در وی مهدی در خلافت خود دو مرتبه: اما مرتبه اول پس در سال صد و شصتم هجری و اما مرتبه دوم پس ابتدا کرد آن را در سال صد و شصت و هفتم و اتمام کرد آن را در سال صد و شصت و نهم و وفات کرد خود هم در این سال اتفاقاً. و در هر دو مرتبه مذکوره در توسیع مسجد و عمارات آن، اموالی عظیمه را گویند که خرج کرد، بر هر یک گزی از زمین که ادخال کرد آن را در مسجد مقدار بیست و پنج دینار و نقل کرد برای وی ستون‌های رُخام از بلاد شام و غیر آن در کشتی‌ها، تا آن که فرود آوردند آن‌ها را در بندر جدّه و برداشتند از آنجا بالای گردون‌ها به سوی مکه.

بعد از آن زیاده کرد در وی معتضد عباسی، در جانب شمالی از مسجد قدری زیادت، بعد از سال صد و هشتادم و ادخال کرد در وی مقام دارالندوه را و تسمیه می‌کنند این زیادت را به زیادت باب الزیاده.

و الندوه خانه‌ای بود در جانب شمالی کعبه که بنا کرده بود آن را قُصی بن کلاب و مجتمع گشتندی در وی قُریش مکه برای مشورت هر امری؛ از نکاح یا حرب یا غیر آن و «نُدوه» در لغت اجتماع را گویند و گفته‌اند که نبود دارالندوه قبل از قُصی.

بعد از آن زیاده کرده شد در مسجد موصوف زیادتی از جانب پشت کعبه، که آن زیادت معروف است به «زیادت باب ابراهیم» و بود بنای این زیادت در زمان خلافت مقتدر عباسی در سال سیصد و ششم، بعد از آن مستمر ماند بنای او بر همین طریق تا سال نهصد و هشتادم، غیر آن چه اصلاح کردند بعض ملوک در سقف وی یا در بعض ابواب وی. پس در سال نهصد و هشتادم هدم کرد مسجد مذکور را سلطان سلیم خان که از سلاطین روم‌اند، تجدید نموده بنای او را و اعاده کرد استوانه‌های او را از رخام و گردانید عمارت او را محکم و به غایت مستحسن، و خرج کرد بر وی اموال کثیره تا آن که تمام گشت این عمارت در ایام پسر وی سلطان مرادخان، در آخر سال نهصد و هشتاد و سوّم، والله سبحانه و تعالی اعلم.

و علامه قهستانی در شرح مختصر وقایه گفته که: جمله ذراع‌های مسجد الحرام صد هزار و بیست هزار گز است و دروازه‌های او پانزده هستند و طاق‌های او یکصد و چهل و هفت است و ستون‌های او چهارصد و بیست و چهار است، همه ستون‌ها از مرمر یا از رُخام. انتهی. و مخفی نماند که آن چه علامه قهستانی نقل نموده در زمان او بود و اما بعد از وی واقع

شده است زیادت و تغییر دروازه‌ها و طاق‌ها و ستون‌ها؛ چنانچه تحقیق نموده است از متأخرین علامه قطب الدین در تاریخ مکه، پس نقل کرده می‌شود در اینجا کلام او را مع الاختصار. باید دانست که علامه قطب الدین گفته:

### تعداد ابواب مسجد و طاق‌های آن

پس بدان که ابواب مسجد در این زمان نوزده [۱۹] عدد باب‌اند که فتح کرده می‌شوند این ابواب بر سی‌و نه طاق. از آن‌ها:

در جانب شرقی از کعبه معظمه که مواجهه باب [کعبه] و مقام [ابراهیم] است چهار دروازه است:

یکی: باب بنی شیبه که معروف گشته است الآن به باب السلام و مشتمل است آن بر سه عدد طاق.

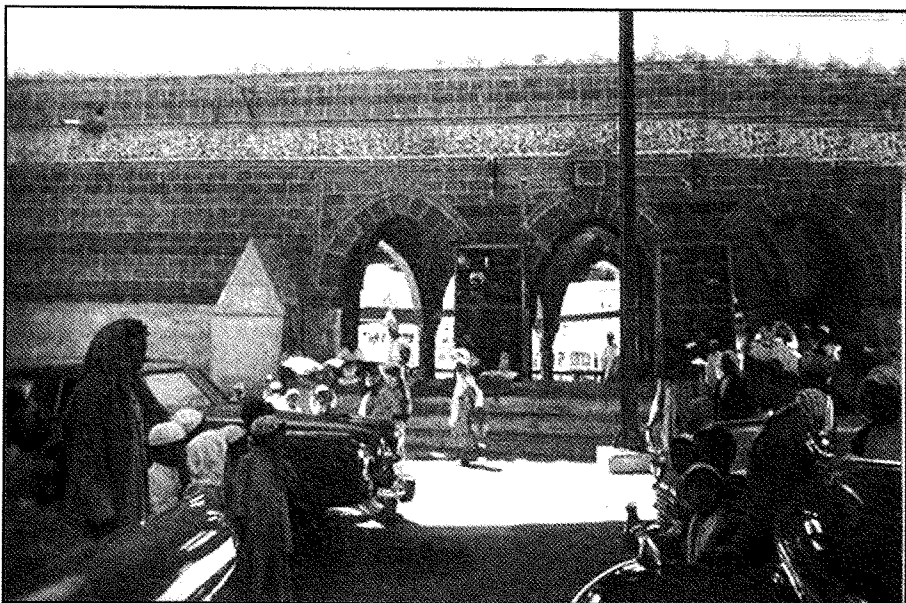
باب الصفا



دوم: باب النبی ﷺ، و آن دو طاق دارد و فاسی در شفاء الغرام گفته که داخل می‌شدی پیغمبر خدا به سوی مسجد الحرام، وقتی که می‌آمد از منزل خود که آن سرای بی‌بی خدیجه الکبری است - از این باب و نیز بیرون رفتی از مسجد الحرام به سوی منزل خود - از این باب. انتهى.

سوم: باب الجنائز، که تسمیه کنند او را به باب عباس، نیز به سبب آن که مقابله دارد به سرای عباس ﷺ، و آن سه طاق دارد و گاهی تسمیه کنند باب النبی را به باب الجنائز.

چهارم: باب بنی هاشم که معروف است به باب علی و آن سه طاق دارد.



باب عباس

واما مسجد الحرام در جانب جنوبی از کعبه معظمه که به طرف یمن است، هفت (۷) دروازه است:

یکی: آن که گفته می‌شود او را باب بازان، به واسطه قرب او به عین، که معروف است در مکه به بازان، و این دو طاق دارد.

دوم: باب البغله و آن هم دو طاق دارد.

سوم: باب بنی مخزوم که معروف است الآن به باب الصفا، به سبب اتصال او به صفا و این مشتمل است بر پنج طاق.

چهارم: آن که معروف است به اعیاد صغیر و این دو طاق دارد.

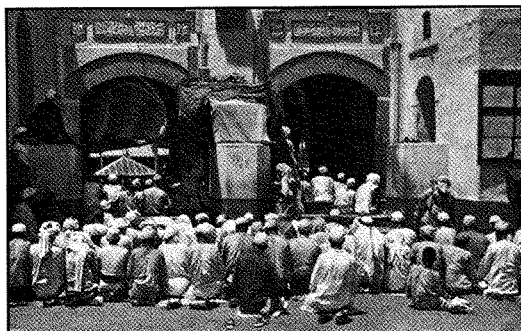
پنجم: باب المجاهدی و گفته شده او را باب الرّحمة نیز، و آن هم دو طاق دارد.

ششم: باب عجلان، به سبب اتصال او به مدرسه شریف عجلان و این هم دو طاق دارد. هفتم: بابی از مسجد که واقع است در محاذات رکن یمانی از کعبه معظمه و معروف

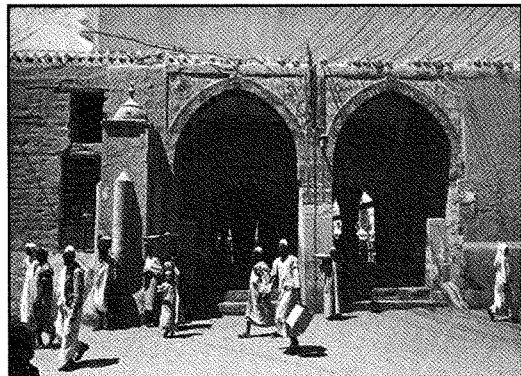
است به باب أمّ هانی، به سبب آن که بود نزد وی سرای بی بی أمّ هانی بنت ابی طالب، که داخل کرده شده است در مسجد و این باب نیز دو مدخل دارد.

و اما مسجد الحرام را در جانب غربی از کعبه معظمه که جانب پشت بیت الله است سه دروازه است:

یکی: باب حَزْوَره، که معروف گشته است الآن به باب الوداع و آن مشتمل است بر دو طاق.  
دوم: باب الحنَّاطین<sup>۱</sup>، که تسمیه می کنند او را الآن به باب ابراهیم و آن یک طاق کلان

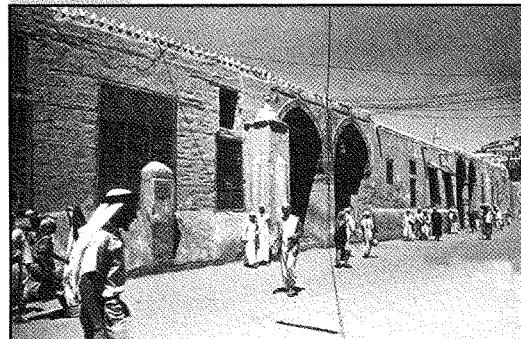


دارد و نسبت نکرده اند او را به سوی ابراهیم خلیل، بلکه مرد خیاطی بود که ابراهیم نام داشت و می نشست نزد همین باب، و گذشت او را عمر در آن جا بسیار، پس معروف شد این باب به اسم وی.



سوم: باب بنی سهم، که معروف گشته است به باب العمره، به سبب آن که از باب بنی سهم مردم به سوی تنعیم می رفتند برای عمره و خروج و دخول می نمودند از این باب غالباً، پس به باب العمره مشهور شد و این نیز یک طاق دارد.

باب احیاد



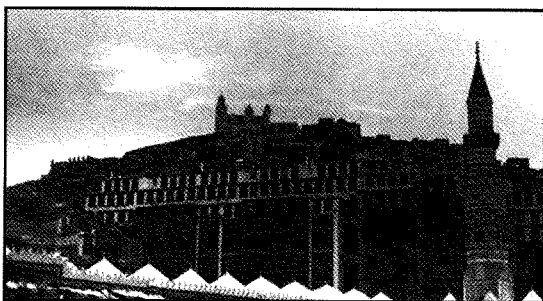
باب احیاد

اما مسجد الحرام را در جانب شامی کعبه معظمه پنج باب است:

یکی: آن که معروف است به «باب السدره» و «باب عتیق»، و تسمیه کردند او را در زمان قدیم به «باب العمره»، و «ابن العاصی» و این نیز یک طاق دارد.



**دوم:** «باب العجله»، که تسمیه می‌کنند او را به «باب الباسطیه»، به سبب اتصال به مدرسه عبدالباسط و آن نیز یک طاق دارد.



باب علی

**سوم:** بابی که واقع است در جانب زیاده مذکوره به طرف شامی از کعبه و آن معروف است به «باب قطیبه» و آن هم یک طاق دارد.  
**چهارم:** آن که به سمت دارالندوه استو معروف است به باب الزیاده، و آن سه طاق دارد.



باب السلام

**پنجم:** معروف است به «باب الدریه»، قریب از مناره باب السلام و آن یک طاق دارد.



باب البغلنه

**و اما استوانات مسجد الحرام**  
اعنی ستون‌های آن در این زمان. پس بدان که ستون‌های او بر دو قسم‌اند: قسم اول از رُخام، یا از حَجَر صَوّان و رُخام - به ضمّ رای مهمله و به خای معجمه - سنگی است سفید و نرم معروف و صَوّان - به ضمّ صاد مهمله و تشدید واو - قسمی است از سنگ سخت و این‌ها سیصد و یازده (۳۱۱) عدد ستون هستند؛ از آن‌ها در جهت شرقی از مسجدالحرام شصت و دو ستون رُخام است و در جهت شمالی از وی - که به سوی حطیم است -



هشتاد و یک ستون رُخام است و در جهت غربی از وی، شصت و چهار ستون است؛ از آن‌ها شش ستون از حَجَر صُوان و پنجاه و هشت از رُخام. و در جهت جنوبی از وی هشتاد و سه ستون است؛ از آن‌ها یازده ستون از حَجَر صُوان و هفتاد و دو از رُخام. و در زیادتی که واقع است در طرف دارالندوه، پانزده ستون است؛ از آن‌ها یکی از حَجَر صُوان است و چهارده از رُخام. و در زیادتی که به جانب باب ابراهیم است، شش ستون است از رُخام و قسم دُوم از حَجَر شُمیسی است.

و نسبت کرده شود این سنگ‌ها به سوی بئر شُمیس - به صیغۀ تصغیر - که آن چاهی است ما بین مکه و بندر جدّه. گویند که حدّ حرم از جانب جدّه همین چاه است و هستند نزد این چاه کوه‌های زرد رنگ که برآوردند از آن‌ها این سنگ‌ها را و آوردند به سوی مکه مشرفه. پس جمله این ستون‌های شُمیسی دو صد و چهل و چهار ستون‌اند؛ از آن‌ها در جهت شرقی از مسجد الحرام سی ستون هستند و در جانب شمالی از وی، چهل و چهار ستون‌اند و در جهت غربی از وی سی و شش ستون‌اند و در طرف جنوبی او هفتاد و شش ستون‌اند و در ارکان اربع

مسجدالحرام چهار ستون هستند، در هر رُکنی یکی و در زیادت دارالندوه سی و شش ستون اند و در زیادت باب ابراهیم هزده ستون اند.

### اما قُبّه‌های مسجدالحرام

پس یکصد و پنجاه و دو قُبّه هستند؛ از آن‌ها در جانب شرقی مسجدالحرام بیست و چهار قُبّه است و در جانب غربی از وی، بیست و چهار قُبّه است و در جانب شمالی از وی، سی و شش قُبّه است و در جانب جنوبی از وی، سی و شش قُبّه است و در رکن مسجدالحرام که به قرب مناره حَزُوره است یک قُبّه است و در زیادت باب الندوه شانزده قُبّه است و در زیادت باب ابراهیم پانزده قُبّه است.

### و اما شرافات مسجدالحرام

اعنی کنگره‌های آن، پس جمله یک هزار و سیصد و شصت و دو کنگره است؛ از آن‌ها در جانب شرقی آن بیست و هفت از رُخام است، که در میان آن یک کنگره در جانب شرقی آن طویل است و باقی یکصد و سی و پنج از حَجَرهای شُمیسی است و در جانب شمالی آن سیصد و چهل و یک کنگره است؛ از آن‌ها هفت از رُخام است که در آن‌ها سه کنگره است طویل و باقی از حجر شُمیسی است و در جانب غربی آن دو صد و چهار کنگره است؛ از آن‌ها هفتاد و پنج از رُخام است که در میان آن‌ها یک کنگره طویل است و باقی از حجر شُمیسی است و در جهت جنوبی آن سیصد و سی و پنج کنگره است؛ از آن‌ها هفتاد از رُخام است که در آن سه کنگره طویل اند و باقی از حَجَر شُمیسی است و در زیادت باب الندوه یکصد و نود و یک کنگره است همه از حَجَر شُمیسی است و در زیادت باب ابراهیم یکصد و چهل و شش کنگره است همه از حجر شُمیسی است، فقط نه از غیر او.

### و اما مناره‌های مسجدالحرام

برای اذان، پس آن‌ها در این زمان هفت عدد مناره‌اند که بر آن‌ها اذان گفته می‌شود در اوقات خمسه:

یکی: از آن، مناره باب عمره است.

دوم: مناره باب السلام.

سوم: مناره باب علی.

چهارم: مناره باب الحزوره.

پنجم: مناره باب الزیاده.

ششم: مناره مدرسه سلطان قایتبای که واقع است در میان صفا و مروه به قرب مسعی.

هفتم: مناره سلطان سلیمان خان که واقع است در میان باب الزیاده و باب السلام.

و مسجد الحرام را در زمان سابق مناره‌های دیگر نیز بودند که ذکر نموده‌اند آن‌ها را علمای تواریخ در کتب خود، ولكن باقی نمانده است چیزی از آن‌ها در این زمان، هذا مُحصَل کلام القطب و غیره.

### فایده

پیش‌تر از علامه قهستانی تعداد جمله ذراع‌های مسجدالحرام گذشته بود که آن صد هزار گز و بیست هزار گز است، ولكن تحقیق آن است که: علامه فاسی در تاریخ صغیر خود مسمی به تحصیل المرام نقل نموده و گفته که ذراع کردم من مسجد الحرام را به ذراع حدید و از وی ظاهر می‌شود تحریر آن به ذراع دست. پس یافتم طول او را از دیوار غربی تا دیوار شرقی - که مقابل اوست - مقدار سیصد و پنجاه و شش گز و ثمن گز به ذراع حدید. پس باشد آن به ذراع دست چهار صد و هفت گز، و بود پیمودن من آن را از میان دیوار غربی تا میانه دیوار شرقی به حیثیتی که مرور می‌نمودم من در داخل حطیم متصل به دیوار شامی از کعبه، و یافتم عرض مسجدالحرام را از دیوار شامی تا دیوار یمانی دو صد و شصت و شش گز به ذراع حدید، پس باشد آن به ذراع دست سیصد و چهار گز و بود پیمودن من آن را از میانه دیوار شامی تا میانه دیوار یمانی؛ به حیثیتی که مرور می‌نمودم در مابین جانب شرقی از کعبه و مقام ابراهیم، بلکه بودم من اقرب به سوی مقام. انتهی ما ذکره الفاسی.

پس بر این تقدیر، جمله گزهای مسجدالحرام به حساب ضرب، به موجب ذراع حدید، نود و چهار هزار و شش صد و نود و شش ذراع می‌شود و به موجب ذراع دست یک لک<sup>۹</sup> و بیست و سه هزار و هفتصد و بیست و هفت گز می‌شود، فلیتدبر، والله اعلم.

## فصل؛ در بیان مقدار مطاف

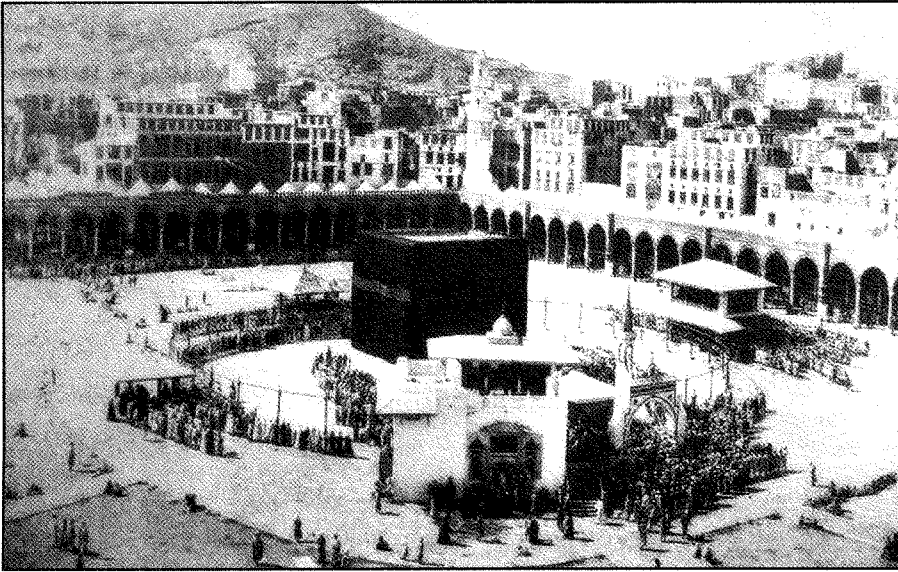
که همان بود قدرِ مسجدالحرام در زمان پیغمبر خدا ﷺ. باید دانست که مولانا ملا علی قاری در شرح منسک متوسط گفته که: مُراد به مطاف، مکانی است که تعیین کرده شده برای طواف و همان مقدار بود مسجدالحرام در عهد پیغمبر ﷺ. انتهى.

و مولانا قطب الدین مکی در تاریخ مکه معظمه گفته که: مطاف مطلق مقداری است در حوالی بیت شریف که فرش کرده شده است او را الآن با حَجَرهای تراشیده از قسم حَجَر صُوَان و بود عمارت مطاف در سنه احد و ستین و تسعمائة به امر سلطان سلیمان خان بن سلطان سلیم خان، از سلاطین روم. انتهى ما أفاده القطب.

و گفته اند که بود ابتدای فرش مطاف به سنگ‌های مذکوره در ایام خلافت سلطان سلیم خان ثانی بن سلیم خان اول که از سلاطین روم بود و بود خلافت او در اواخر مائه عاشره. و پیش تر از آن، علامت کرده بودند موضع مطاف را به وجهی دیگر؛ یعنی نصب نموده بودند بر نهایت حاشیه مطاف سنگ‌ها را به شکل دایره و مرتفع ساخته بودند آن‌ها را از زمین تا واضح و هویدا گردد حدّ مطاف.

و نیز باید دانست که مطلع نشده بودم من در وقت تألیف این رساله، بر کتابی که تقدیر نموده باشد ارض مطاف را به ذراع‌ها، پس تقدیر نمودم من او را به نفس خود به ذراع شرعیّه، که آن بیست و چهار انگشت است.

پس بدان که مطاف واقع است بر هیئت تدویر، نه به صورت تربیع، و تدویر او هم از جمیع جوانب یکسان نیست و از این سبب ذراع کردیم او را از جوانب اربعه کعبه، از مقابله وسط کعبه. پس، از جانب شمالی کعبه از خارج دیوار حطیم بیست و پنج ذراع و یک شبر و دو انگشت و از جانب غربی کعبه، سی و چهار ذراع و دو انگشت کم شد و از جانب جنوبی کعبه سی و یک ذراع و هشت انگشت و از جانب شرقی کعبه تا نهایت باب السّلام قدیم چهل [و چهار] ذراع شد و حساب کرده شده است این ذراع‌ها در جمیع جوانب از مقابله وسط کعبه، نه از ارکان و نه از آن مکان که واقع است میان وسط و ارکان. و اگر حساب کرده شود از مقابله و غیر وسط کعبه ظاهر است که مخالفت به این مقدار خواهد شد، به سبب آن که مطاف واقع است بر هیئت تدویر نه بر صورت تربیع. فَلْيَتَدَبَّرْ، و الله تعالی أعلم بحقیقه الحال، و الیه المآل.<sup>۱۰</sup>



فصل؛ در بیان مساحت حرم و ما يتعلّق به است

در جامع الرموز آورده، در مساحت مسجد الحرام: «و المسجد في وسط مكّة، ذراعاه مائة ألف و عشرون، و طاقاته أربعون و مائة، و أستواناته أربع و عشرون و أربعمائة كلّها من مرمر أو رُخام، و أبوابه خمسة عشر».

بدان که بلندی بیت الله شریف، که کعبه ظاهر است به سوی آسمان در این ایام، بیست و هفت گز و ربع گز است و گز شرعی بیست و چهار انگشت است که پهلوی هم نهاده باشد و هر انگشتی را شش جو اعتبار کرده اند که در پهلوی هم نهاده باشند.

اما طول کعبه الله شریف در روی از رکن حَجَرِ اَسود تا رکن عراقی که دیوار شرقی خانه کعبه است، بیست و پنج گز است و هشت قلفه است و از رکن یمانی تا رکن شامی که دیوار غربی است بیست و چهار گز و یک شبر است و از رکن یمانی تا رکن حَجَرِ اَسود که جنوبی است بیست و یک گز و یک شبر است و از رکن شامی تا رکن عراقی که دیوار شمالی است بیست و دو گز است.

اما عرض دیوار خانه کعبه دو گز است<sup>۱۱</sup> و برای بیت الله شریف دو سقف اند؛ احدهما فوق الآخر و عرض سطح کعبه ثمانیه عشر ذراع، و باب کعبه در دیوار شرقی است و طول

باب کعبه شش گز و ده انگشت و عرض باب کعبه شریف چهار گز است و تخته‌های در از چوب ساج است و تنگ‌های نقره بر روی آن گرفته و [با] میخ‌های نقره استوار کرده‌اند و بلندی آستانه از روی زمین چهار و ثمن گز است و ناودان کعبه شریف که آن را «میزاب رحمت» بگویند در میان دیوار رکن عراقی و شامی است و حجر اسماعیل علیه السلام در زیر آن است، و بلندی حجر آسود از روی زمین دو گز و نصف گز و سدس گز است، چیزی زیاده، و مقدار عرض ناودان که از او ظاهر است، یک و جب و چهار انگشت است؛ یعنی انگشتان بر هم پیوسته، و عرض مستجار چهار گز و پنج انگشت، و مستجار ما بین رکن [یمانی] و باب دوم کعبه است و در این ایام باب ثانی مسدود است.

و این [را] مستجار برای آن می‌گویند که آن جای نیز مردم می‌ایستند و دست بر دیوار کعبه شریف نهاده، دعا می‌کنند و مغفرت از گناهان می‌طلبند، لهذا «مستجار من الذنوب» گفته‌اند.

و عرض باب مسدود مذکور سه گز، طول پنج گز است، اندکی زیاده. اما حجر - به کسر حای مهمله و سکون جیم - که آن را حطیم نیز نامیده‌اند، محوط<sup>۱۲</sup> ای است مدور؛ مانند نصف دایره و این حجر در جانب شمالی کعبه شریف، زیر ناودان است؛ چنانکه گذشت و حد آن از رکن عراقی تا رکن شامی است و زمین حجر را به سنگ‌های رُخام سفید و سیاه و سرخ و سبز و زرد فرش کرده‌اند و از آنجا که زیر ناودان است تا دیوار حجر هفده گز و ثلث گز است و مقدار هفت گز یا شش گز و یک و جب از زمین خانه کعبه است و باقی جای گوسفندان حضرت اسماعیل بوده، بعد از آن داخل حجر کرده‌اند و این حجر دو باب دارد: یکی نزدیک رکن شامی و دیگر نزدیک رکن عراقی و مابین دو در حجر بیست گز است و دایره حجر از جانب درون سی و هشت گز است و از جانب بیرون چهل گز و ربع گز.

بعضی گفته‌اند در خانه از جانب درون مع الحطیم، صد و بیست گز و نصف گز است.<sup>۱۳</sup> اما حُفْره، که پیوسته به دیوار شرقی کعبه است، نزدیک به آستانه کعبه، که در این ایام به مقام جبرئیل مشهور است و بعضی گویند که این حُفْره، جایی است که حضرت ابراهیم علیه السلام گل راست می‌کرد از بهر تعمیر کعبه، و لهذا اهل مکه این حُفْره را «مَعْجَنَه» می‌نامند و معجنه در لغت مغازی را گویند و طول آن هفت و جب و هفت انگشت مضمومه و عرض پنج و جب

و سه انگشت به جانب کعبه و عمق آن یک و چوب و چهار انگشت است.  
 و شیخ محب الدین طبری و غیره گفت: که این حُفْره، جایی است که حضرت جبرئیل علیه السلام  
 با حضرت سرور کائنات صلی الله علیه و آله پنج وقت نماز را در روز متعارف در این موضع گزارده و اوقات  
 پنج نماز معین ساخته‌اند، در زمانی که خدای تعالی - جلّ جلاله - نماز را بر این اُمّت مرحومه  
 فرض گردانید، والله اعلم.

بدان که حدود مطاف از جانب حطیم، از دیوار حطیم تا سرحدّ مطاف بیست و پنج گز  
 و یک شبر و دو انگشت است و از جانب غربی، از شادرِوان کعبه تا سرحدّ مطاف بیست و  
 چهار گز و دو انگشت کم، و از جانب جنوبی سی و یک گز و هشت انگشت، و از جانب باب  
 کعبه تا سرحدّ مطاف پنجاه و سه گز، تا حدّ باب السلام چهل و چهار گز.  
 و جمله طول مطاف - فیما بین الشمال إلى الجنوب - نود و هشت گز و ثلث ذراع و  
 دو انگشت کم یا کسری زیاده. اما عرض زمین مطاف که گرداگرد کعبه به سنگ، فرش  
 کرده‌اند، از طرف شرقی کعبه از شبّا که مقام تا شادرِوان کعبه که مقابل اوست، چهل و چهار  
 قدم است و از جانب شمالی از کنار مطاف تا دیوار حطیم - که مقابل اوست - چهل و هشت  
 قدم است و از طرف غربی، از کنار مطاف تا شادرِوان کعبه شصت و پنج قدم است و این  
 دورترین جوانب است، و از جانب جنوب از کنار مطاف تا شادرِوان کعبه آنجا که زیر حَجَر  
 اسود است، چهل و هفت قدم است.

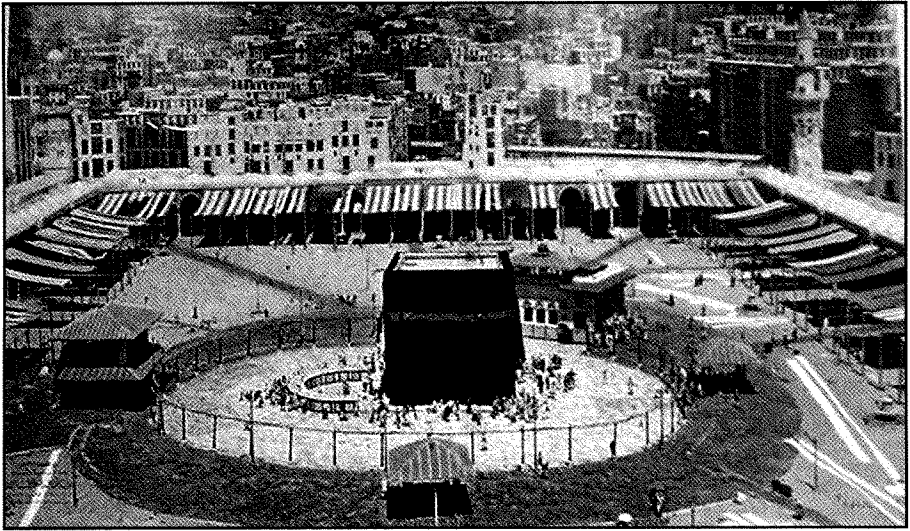
### اما ستون‌های دور مطاف

که از جهت آویختن قندیل‌ها راست کرده‌اند، سی و سه عدداند. سی و یک عدد از هفت  
 جوش‌اند<sup>۱۴</sup> و دو ستون از هر دو سر آن‌ها از سنگ مرمر سفیداند و در میان هر فُرَجّه دو ستون  
 هفت قندیل از زُجاج آویخته شده است که هر شب روشن می‌شوند و جمیع قندیل‌های حرم  
 هزار است از زُجاج.

### [مقایسه ارکان کعبه با جهات چهارگانه]

بدان که حرم محترم و بیت معظم، اندکی انحرافی دارد از جهات اربعه؛ چنانکه رکن  
 حَجَر اسود در محاذی بین المشرقین واقع شده و ستاره قطب در برابر رکن عراقی مرئی  
 می‌شود، باقی ارکان بر همین قیاس.





### [محراب‌های پیروان مذاهب]

بدان که، اوّل: مصلاّی حنفيّه، که ایوانی است سه دَره، دو منزله به عمارت عظیم الشان، جانبِ شمالِ بیرونِ ستون‌های مطاف واقع شده است و از مصلاّ تا دیوارِ حجر - به کسر حای مهمله - چهل و هشت گز است.

دوّم: مصلاّی شافعی، که قریب چاه زمزم [و تا شادروان کعبه] چهل گز است و این طرف هیچ ستون مطاف نیست و این مصلاّ بیرون، ما بین عمارت چاه زمزم و منبر عالی سنگ مرمر واقع شده است، ایوانی است یک دَره، متّصل به مقام ابراهیم علیه السلام، جانب مشرق.

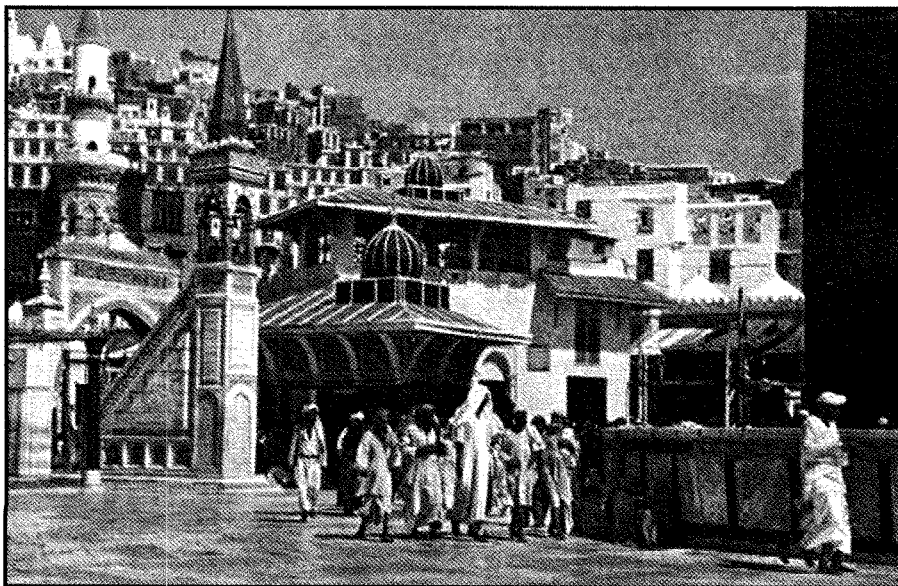
سوّم: مصلاّی حنبلی است که ایوانی است خُرد یک دَره مقابل حجرِ آسود، بیرون مطاف، جانب مشرق و از کنار مطاف تا شادروان که زیر حجرِ آسود است چهل و هفت گز است. چهارم: مصلاّی مالکی است که ایوانی است یک دَره جانب مغرب بیرون ستون‌های مطاف واقع شده است، از کناره دیوار محراب آن تا شادروان کعبه شصت و پنج گز است.

### [مقام ابراهیم علیه السلام]

بدان که مقام ابراهیم علیه السلام، چنین نقل است از شیخ عزالدین که تاریخ هفتصد و پنجاه و سه از هجرت، مجاور مکه معظّمه بودم و مقام مذکور را پیمودم. پس بلندی مقام از روی<sup>۱۵</sup> نصف و رُبع و ثمن گز است و بالای سنگ مربع است از هر طرفی سه رُبع گز و موضع

قدمین مبارک حضرت ابراهیم علیه السلام را تنگه نقره گرفته‌اند و پستی موضع قدمین از بالای نقره هفت و نیم قیراط است؛ یعنی ثلث گز است نیم قیراط کم - و بیست و چهار قیراط یک گز است - و چهار جانب صندوق در زمین استوار است و بر روی صندوق پرده اطلس سیاه زر بفت پوشیده‌اند و بر بالای صندوق مذکور گنبد مختصر از چوب بر سر چهار ستون وضع کرده‌اند و درون آن را به طلا و لاجورد و غیرهما منقش ساخته‌اند و در غایت زیب و زینت پرداخته‌اند و روی گنبد را به تخته‌های سُرَب به هم میخ دوز کرده‌اند و بر چهار جانب صندوق چهار شباکه هفت جوش بر چهار ستون که مذکور گشت، وصل کرده‌اند و در عقب گنبد ایوانی بر سه ستون سنگ تعمیر کرده‌اند و یک جانب ایوان متصل به گنبد است و این ایوان را ایوانه خلف مقام می‌گویند.

و طول موضع مصلّا که جای نماز گزاردن نفل طواف است؛ یعنی زیر ایوان مذکور پنج گز و سُدس گز است و طول و عرض شباکه پنج گز است و شباکه پنجره را گویند.  
و اما دوری مقام از کعبه از صندوق درون شباکه، که مقام در وی است تا شادروان بیت‌الله بیست گز و ثلثان و ثمن گز است و شادروان پُشْتَبان دیوار را گویند و از حَجَرِ اَسود تا مقام مذکور بیست و هفت گز است.



### [منبر مسجد الحرام]

بدان که منبر خطبۀ جمعه که مقابل رکن عراقی واقع شده، به عمارت سنگ سفید عظیم الشان، مشتمل بر سیزده زینۀ پایه، و بر سرش گنبد خُرد بر چهار ستون سنگ استوار کرده‌اند.

### [چاه زمزم]

بدان که عمق چاه زمزم شصت و هفت گز است و عرض سَرِ چاه چهار گز در چهار گز است و از دیوار کعبۀ شریفه تا چاه زمزم سی و سه گز است و ما بین مقام و چاه زمزم بیست و یک گز است.

### [قُبَّة الفَراشین]

و در عقب خانه‌ای که چاه زمزم در اوست، گنبدی است که آن را قُبَّة الفَراشین می‌گویند، زیرا که فَرَّاشان شمع‌ها و شمعدان‌ها و بساط‌ها و مصاحف و ما یحتاج مسجد را در آن جا می‌نهند.

### [سقایة الحاج]

و در عقب قُبَّة الفَراشین گنبدی است دیگر، که آن را سقایة الحاج می‌گویند.

### [باب السَّلام]

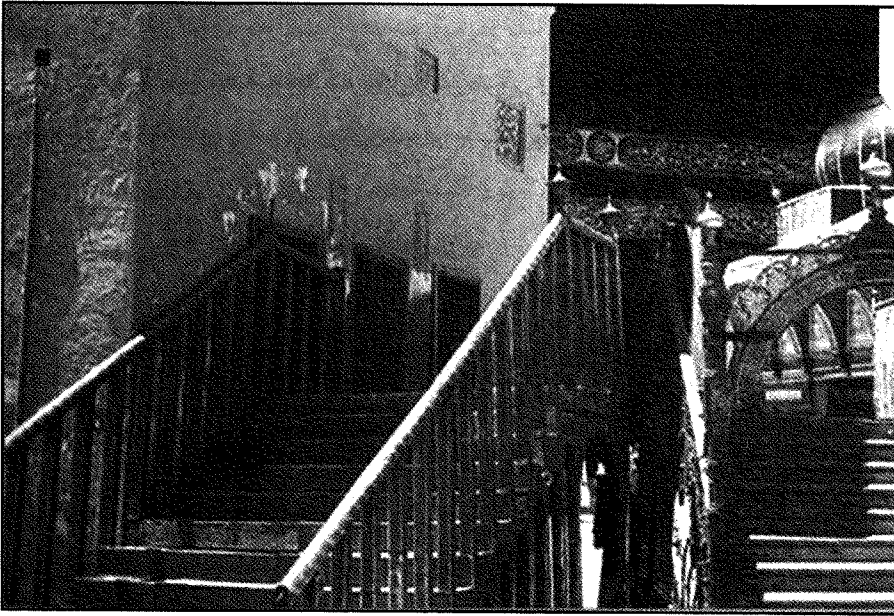
و پَسِ ایوانی که مصلای شافعی است که آن را باب السَّلام گویند.

### [پَلکان ورود به کعبه]

و یک زینۀ پای چوبی مانند تیرک یازده پایه دارد برای داخلی بیت الله، نیز قریب زمزم می‌باشد که پادشاه هندوستان فرستاده بود.

### [تعداد ردیف ستون‌ها]

بدان که عدد ستون‌های مسجد الحرام، گرد بر گرد چند دور است، غیر ستون‌هایی که در باب ابراهیم و باب زیاده است، چهار صد و شصت و نه ستون‌هاست، در چهار دور حرم؛ در



هر طرفی سه قطار ستون‌هاست، بعضی جا کم و بعضی جا زیاده، چنانچه طرف کُنج صفا سه قطار ستون‌هاست، بلکه کم [تر] است و طرف باب‌الزیاده از سه زیاده، شصت و شش است.

#### [تعداد مناره‌ها]

بدان که عدد مناره‌های حرم هفت است، چهار مناره در چهار کُنج حرم و سه سوی آن‌هاست.

#### [مساحت مسجدالحرام]

در بیرجندی که گفته: مساحت مسجدالحرام علی ما قیل، مائة و عشرون ألف ذراع. أما طول مسجدالحرام در این ایام از باب بنی شیبیه که مشهور به باب السلام است و آن در کُنج دیوار شرقی مسجد است تا باب عمره که در کُنج دیوار غربی است، چهار صد و چهار گز است و این دویست و هشتاد خُطوه می‌شود. اما عرض حرم از باب بنی مخزوم که مشهور به باب الصفا است و این در دیوار جنوبی مسجد است تا دیوار اصلی مسجد که طرف شمالی است قریب باب دارالندوه سه صد و چهار گز است و این دویست و بیست و شش خُطوه می‌شود.

ویانه گفته: صفا و مروه بیرون مسجد جانب شرقی اند و صفا جانب جنوب است و مروه جانب شمال.

در جامع گفته: در میان دو کوه [صفا و مروه] هفتصد و شصت و شش، یکصد و دوازده گز است.

در شرح صراط المستقیم گفته: دو میل اخضرین الآن علامتی برای منتهای محلّ سعی در دیوار حرم نهاده اند و شیخ الإسلام گفته: دو علامت است بر شکل میل کشیده شده اند، از دیوار مسجد الحرام و مفصل نیست از دو، این هر دو علامت اند برای سعی در بطن وادی. در بیان گفته: منا بیرون مکه است جانب مشرق، که اندک مایل به جنوب است. پس اگر کسی در این مواضع مذکور نماز گزارد، باید که متوجّه شود به سوی مغرب شمالی. در زاد الغریب آورده که: منا بر سه میل است، از مُزدلفه و عرفات برشش میل است، از منا تقریباً.

و در مناسک ملاً رحمة الله سندهی - علیه الرحمه - آورده است که حدود عرفات این است: حدّ اول منتهای می شود تا به شارع عام طریق الشرق و حدّ دوم تا اطراف جبل که ورای زمین عرفات است، و حدّ سوم تا بساتین که متصل عرنه عرفات است و حدّ چهارم منتهای تا وادی عرفات.

در شرح ملاً علی قاری بر مناسک گفته که: مسجد نمره در آخر عرفات قریب آن، بلکه بعضی گفته اند که بعضی از آن است.

در ترجمه خلاصه مشکاة مسمی بصراط الحیة گفته: نمره - به ضمّ و به کسر میم - که قریب وادی عرفات و نهایت زمین حرم است.

در زاد الغریب آورده: مراد به حرم، حرم مکه است از جانب مشرق شش میل است و از جانب مغرب دوازده میل است و از جانب شمال سیزده میل است یا هژده میل و از جانب جنوب بیست و چهار میل است.

و در شرح صراط المستقیم گفته: نمره - به ضمّ نون و کسر میم و فتح راء - موضعی است نزدیک به عرفات و آخر زمین حرم است و گویا برزخی است میان حلّ و حرم. ملاً علی قاری گفته: در مسجد نمره و قوف جایز نیست که قریب عرنه است.

در معیار شرح کنز: بطن عُرْنَه که آن مکان وقوف نیست و وجه آن است که پیغمبر - صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم - شیطان را در آنجا ایستاده دیده‌اند. بدان که عُرْنَه قریب عرفات است به چهار میل به صورت دیواری مربع، دو میل که جانب کعبه است حدّ زمین حرم و آن دو میل دیگر که طرف عرفات است حدّ زمین عرفات، میان این دو حدّ را بطن عُرْنَه گویند.

تمام شد ۱۶ جمادی الآخری روز پنج‌شنبه در مکه معظمه، سنه ۱۲۵۴ هجریه نویّه

### پی‌نوشت‌ها:

۱. آل عمران: ۹۶

۲. بقره: ۱۲۷

۳. یعنی مسدود کردند

۴. این کلام مخالف است با آنچه مشهور است که هر کسی از بزرگان مکه می‌خواست حجرالأسود را او بر جای نهد، تا این شرافت به نام او و قبیله‌اش ثبت شود. پس راضی شدند به داوری اولین شخصی که وارد مسجد الحرام شود. که ناگاه حضرت محمد ﷺ وارد شد و چون از تصمیم آنان آگاه شد عبادی خود را پهن کرد و حجرالأسود را در میان آن نهاد و فرمود: از هر قبیله یک نفر بیاید و گوشه‌ عبا را بگیرد و حجر را به محل نصب ببرد. و چون به کنار کعبه رسید، خود حضرت آن را از میان عبا برداشتند و در محل خود نصب نمودند.

۵. برخی از مواردی که در اینجا برمی‌شمارد دلیل محکمی ندارد.

۶. آل عمران: ۹۶-۹۷

۷. یعنی خراب کرد

۸. در نسخه هند (باب الخیاطین) آمده و به هر دو

صورت در مصادر ذکر شده است.

۹. هر (لک) معادل یکصد هزار است.

۱۰. نسخه هند در این جا پاسبان می‌پذیرد، با این

ترقیمه: بعون الله العزيز الغفار به روز دوشنبه

بیست و نهم ربیع الأول سنه ۱۲۸۱ تمام شد. نقل

از کتاب سید اکرم علی، برداشته شد که برای

مطالعه محمد صدیق صاحب گرفته بودند.

۱۱. مراد ضخامت دیوار کعبه مشرفه است که

حدود یک متر است.

۱۲. یعنی: دیوار کشتی شده‌ای است

۱۳. ظاهراً مقصودش بیان مساحت درون کعبه

مشرفه به گز مربع است، به ضمیمه مقداری که

از آن بیرون گذاشته و اکنون جزء زمین حجر

اسماعیل است بنا بر روایات اهل سنت، لکن

مقصود مؤلف واضح نیست.

۱۴. هفت جوش = هفت فلز که با هم ترکیب کنند؛

زر، نقره، مس، جست، آهن، سرب، ارزیز.

۱۵. یعنی ضخامت سنگ مقام ابراهیم (ع) وقتی از

بالا به پایین ملاحظه شود.